

نقش برادران رشیدیان در کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

دکتر محمد رضا حامدی

استادیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران

سمیه نیک نیا

مدرس آموزش و پرورش

سیده نجمه دهقانی

مدرس آموزش و پرورش

چکیده

نام خانواده رشیدیان در سه مقطع تاریخ معاصر ایران برجسته است، آخرین سال‌های پرآشوب سلطنت احمدشاه قاجار که با کودتای ۱۲۹۹ ش. به صعود رضاخان به قدرت و سرانجام تاسیس سلطنت پهلوی انجامید. سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ق. که ایتلیجنس سرویس به تجدید سازمان شبکه جاسوسی و تبلیغی و توطئه‌گر خود در ایران دست زد. نقش برادران رشیدیان زمان محمد رضا شاه پررنگ تر شد؛ آنها با شرکت مستقیمی که در کودتا ۲۸ مرداد ۳۲ و سرنگونی دولت مصدق داشتند، همچنین همکاری‌هایی که با انگلیس و امریکا برای رسیدن به اهدافشان در ایران ایفا کردند در این دوره تاریخی حائز اهمیت هستند. این برادران رشیدی در دوران ۲۵ ساله پس از کودتا نقش مهمی در حکومت پهلوی داشتند.

واژگان کلیدی: کودتا؛ برادران رشیدی؛ مصدق؛ امریکا، انگلیس

مقدمه

کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به پشتیبانی انگلیس و آمریکا در ایران صورت گرفت، قصد آنها براندازی دولت محمد مصدق بود. کودتا برای بار اول در ۲۵ مرداد با شکست مواجه شد، اما کودتای دیگری با توجیه عزل دکتر مصدق و انتصاب (زاهدی) به نخست وزیری صورت گرفت، که منجر به سقوط دولت مرحوم مصدق و روی کار آمدن زاهدی به عنوان نخست وزیری شد. این سری عملیات در کودتای دوم در روز ۲۸ مرداد سال ۳۲ به وقوع پیوست.

برادران رشیدیان که موضوع این پژوهش تاریخی میباشد؛ از جمله کسانی بودند که در کودتا نقش مهمی را ایفا کردند. آنها از زمان قاجار در سیاست ایران نقش اساسی داشتند. به قولی به مقتدرترین چهره ها تبدیل شدند. فعالیت آنها از سال ۱۲۹۹ ه. ق. با حضور پدرشان شروع شد که باعث سقوط قاجار و روی کار آمدن پهلوی انجامید. برادران رشیدیان عامل نفوذی در کودتای ۲۸ مرداد به حساب می آمدند. پس از پیروزی این کودتا به قدرت فراوانی رسیدند. هدف ما در این پژوهش شناساندن این برادران و اقدامات آنها در ایران میباشد.

حبیب الله رشیدیان و کودتای ۱۲۹۹

نام خانواده رشیدیان در سه مقطع تاریخ معاصر ایران برجسته است، آخرین سالهای پر آشوب سلطنت احمدشاه قاجار که با کودتای ۱۲۹۹ ش. به صعود رضاخان به قدرت و سرانجام تاسیس سلطنت پهلوی انجامید. سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ ه. ق. که ایتلیجنس سرویس به تجدید سازمان شبکه جاسوسی و تبلیغی و توطئه گر خود در ایران دست زد و بالاخره دوران ۲۵ ساله پس از کودتا نقش این خاندان را پی می گیریم. (موسسه مطالعات و پژوهشهای، ۱۳۷۲، ص ۳۴۵) نخستین چهره سرشناس این خانواده حبیب الله رشیدیان است، وی در سالهای پیش از کودتای ۱۲۹۹ در سفارت انگلیس شغل کوچکی داشت و در شبکه جی این سفارت بود، حبیب الله رشیدیان یک مستخدم ساده بیش تلقی نمیشد. (موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۷۰، ص ۳۳۹)

در کشوری چون ایران که رجال سیاسی راه ترقی خود را نوکری سفارت انگلیس میدانستند قطعاً در شبکه جی این سفارت از موقعیت ممتازی برخوردار بود، پس به طور طبیعی مقامات سیاسی انگلیسی نیز به این مستخدم ایرانی اعتماد داشته و برای عملیات جاسوسی و ارتباط با عوامل بومی

خود از اوبهره می‌گرفتند. در نتیجه همین موقعیتها بود که حبیب الله رشیدیان پس از آشنایی با سیدضیالدین طباطبایی که یک چهره جوان مطبوعاتی و فردی جاه طلب، سوداگر بود خود را به مقام سفارت انگلیس معرفی کرد و این حرکت او پس از کودتای سید ضیاء- رضاخان اهمیت تاریخی یافت.

در سال ۱۲۹۹ (ه.ق) ارتباطات (نرمان)، وزیر مختار جدید انگلیس پس از سرپرسی کارکس، باسید ضیاء از طریق رشیدیان تاسیس شد. هرچند سیدضیاء با شرکت در کودتا راه رسیدن رضاخان را به قدرت هموار کرد، ولی بعدها مورد بی مهری رضاخان قرار گرفته و به فلسطین پناهنده شد حبیب الله هم از این بی مهری بی نصیب نماند، برای او هم که اسرار زیادی از چگونگی سقوط سلطنت قاجار و تاسیس سلسله پهلوی را در سینه خود داشت مناسب ترین مکان زندان قصر تشخیص داده شد. (موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۷۰، ص ۳۴۱)

دکتر انور خامه ای از زندانیان سیاسی دوران رضاشاه در خاطرات خود مینویسد:

((... رشیدیان احتیاط به حد وسواس رسانده بود و در زندان هیچ وقت از اتاق خود بیرون نمی آمد، و با هیچ یک از زندانیان حتی سلام علیک هم نداشت، حتی نظافت چی را به اتاق خود راه نمیداد و خود اتاقش را تمیز میکرد. و همچنین با وجود اینکه در مدت ۳ سال مجاور هم میزیستیم، حتی یکبار هم میان ما سلام رد و بدل نشد و در مورد او می‌گفتند که اوقبل از سلطنت رضاشاه و زمان سردار سپهی او یکی از عمال مهم او رابطه میان رضاشاه و انگلیسی ها بوده به روایتی مستخدم انگلیسی ها بوده به هر حال آنچه مسلم است این است که او از اسرار مهمی اطلاع داشت به خاطر همین به زندان افتاده است. اما پلیس به او احترام می‌گذاشت هفته ای یکبار مدیر داخلی زندان بایکی از افسران به اتاق او می آمدند و مدتی مینشستند. همینطور زن و فرزندان او هر هفته به دیدنش می آمدند، پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه او با احترام تمام از زندان آزاد کردند و هنگامی که سیدضیالدین با برنامه خاصی به ایران بازگشت و حزب اراده ملی را تشکیل داد حبیب الله رشیدیان مشاور مخصوص او گردید و پسرانش از قبل از سیدضیاء ثروت کلان اندوختند، به مهره مهم اقتصادی و سیاسی کشور مبدل گرویدند (...)) (همان، ص ۳۳۹-۳۴۱)

حبیب‌الله رشیدیان بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش. با احترام از زندان آزاد شد و هنگامی که سیدضیاء با برنامه‌ی خاصی به ایران بازگشت و حزب اراده ملی را تشکیل داد، حبیب‌الله رشیدیان مشاور مخصوص وی گردید و پسرانش قبل از سیدضیاء ثروت‌های کلان، اندوختند و به مهره‌های مهم اقتصادی و سیاسی کشور مبدل گردیدند. (خامه‌ای، انور، ص ۲۱۶)

سرویس‌های غرب و کودتا ۲۸ مرداد

با سقوط دیکتاتوری رضا شاه مرحله جدیدی در زندگی حبیب‌الله و پسران او (سیف‌الله متولد ۱۲۹۴، اسدالله ۱۲۹۵ و قدرت‌الله ۱۲۹۶ ه. ق) آغاز شد. آنان فعالانه در شبکه توطئه گر امپریالیسم انگلیس در ایران به کار گرفته شده بودند.

ترکیبی اصلی این شبکه برادران رشیدیان که از اوائل ۱۹۴۰ (اوائل جنگ جهانی دوم) عوامل عمده بریتانیا در ایران محسوب می‌شدند.)) طبق اسناد موجود برادران رشیدیان در نوامبر ۱۹۵۱/آبان ۱۳۳۰ توسط انگلیس در اختیار ((سیا)) قرار گرفتند تا نقش مهمی در عملیات انگلیس - امریکایی کودتا بازی کنند. (موسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۱) تکیه‌گاه اصلی عملیات خرابکارانه انگلیس را برادران رشیدیان تشکیل می‌دادند. وودهاوس (دیپلمات انگلیسی) قبل از ترک تهران به تحکیم شبکه ام‌آی ۶ پرداخت و ترتیبی داد که تعدادی از اتباع بریتانیا مقیم تهران به عملیات پنهانی به اتفاق برادران رشیدیان ادامه دهند و یک فرستنده رادیویی مجهز نیز به رشیدیانها داد، تا ارتباط خویش را با ام‌آی ۶ از طریق قبرس حفظ کند، انگلیسی‌ها با شدت به تهدیدات خود علیه مصدق افزودند و اپوزیسیون ضد او به تحریک زاهدی و رشیدیان در مجلس شکل گرفت. (علم، مصطفی، ص ۴۵۸)

انگلستان در ایران و نیز کرمیت روزولت فرمانده کودتا در یادداشت‌های MI-6 و وودهاوس، رهبر تیم اطلاعات و جاسوسی،

خود بارها از این سه تن به نام ((برادران رشیدیان)) یاد کرده است و رشیدیان از عوامل سابقه دار شرکت سابق انگلیس و ایرانی نیلجت سرویس بوده و در بسیاری از توطئه ضد ملی مشارکت یا مداخله داشتند. (نجاتی غلامرضا، ۱۳۷۶، ص ۱۹)

نقش برادران رشیدیان در کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مسئله ناشناخته و غیر قابل انکاری نیست و در آلمان نیز شهرت کافی داشتند به ویژه اینکه خود آنان در سالهای پس از کودتا نه تنها این مسئله را رد نکردند بلکه با داستان سرائی و گزاف‌گویی می‌کوشیدند تا از آن در جهت سودهای مالی بی حد و حسابی بهره بگیرند. (همان، ص ۳۴۴)

این سه برادر بطور واضح برای انگلیس کار میکردند. از میان برادران - برادر کوچکتر یعنی اسدالله، بیشتر به کاخ می رفت و با اشراف معاشرت داشت. (مکی، حسین، ۱۳۷۸، ص ۴۶۲) پس از دستگیری ارتشبد فردوست شبکه روچیلد - ریپوتر تلاش گسترده ای را برای منحرف ساختن ذهن مسئولین اطلاعاتی ایران از دستیابی به ((کنه)) حوادث و اسرار تاریخ معاصر ایران آغاز کرد؛ از جمله تلاش ها انتشار سلسله مقالاتی توسط فردی با نام مستعار ((ا.ع. تافته)) در مجله نو (چاپ پاریس) بود فرد فوق شخص شاپور جی یا توسط وی تغذیه میشد. ضمن ارائه اطلاعاتی بسیار مهم که تنها فردوست و شاپورجی میدانستند. اقدامات انحرافی آنها در جهت خراب کردن ذهن وزارت اطلاعاتی صورت گرفته بود افشای نقش شبکه رشیدیان در کودتای ۲۸ مرداد بود تابالین ترفند و بزرگ نمایی مهره هایی ((سوخته)) و ((مرده)) نقش عجیب شبکه شاپورجی را پنهان کنند، و بلاخره اسناد فوق گویای گوشه هایی از نقش توطئه گرانه سرویس اطلاعاتی غرب در حوادث سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ ایران است که این اسناد توسط بریان لپینگ ((افشا)) شد. (موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۷۰، ص ۳۴۲)

بریان لپینگ، مفسر انگلیسی در برنامه ۲۷ مه ۱۹۸۵ تلویزیون ((گرانادا)) به نقل از یک ((مقام ناشناس)) که تنها صدای او پخش میشد درباره نقش رشیدیان در گردآوری اراذل و اوباش مطیع کردن نمایندگان مجلس و سایر عناصر - ۶MI منتقد جامعه چنین گفت:

((..... عمدتا این کارها توسط سه برادر رشیدی بود که برای انگلیس کار میکردند. یکی از این سه برادر اسدالله دوست و نزدیک شاه و سیف الله تاجر سینما بود و همچنین رشیدیان به زاینر در جلب حمایت نمایندگان مجلس در دوران جنگ یاری کردند حالا آنها به زاینر و وودهاوس همپالگی یاری کردند. سه برادر مرتبا به لندن می رفتند و بچه هایشان را به مدارس انگلیسی می

فرستاند..... خریداری در مجلس ایران عجیب تر و غیرعادی تر از خریداری در پارلمان انگلیس در قرن ۱۸ نبود و رشیدیان پول خودشان را در این ماجرا به کار انداخته بودند.....))

پیرامون نقش برادران رشیدی می گوید: MI-6 سرپرست تیم جاسوسی

((.... ما دونوع کاملاً متمایز در اختیار داشتیم، یکی سازمان شهری که به وسیله برادران اداره می شد و دیگری چندین از سران ایالات جنوب که با همکاری داشتند که سازمان شهری متشکل بود از تعدادی افسران ارشد پلیس..... همراه بادسته های اراذل و اوباش همه این نیروها که به وسیله ((برادران)) هدایت می شد و قرار بود کنترل تهران را به دست بگیرند و پس مصدق و وزرای او را دستگیر کنند - البته برخورداری از حمایت شاه ترجیح داشت، ولی اگر لازم می شد، می بایست از آن صرف نظر کرد.....)) (نجاتی، غلامرضا، ۱۳۷۶، ص ۲۰)

فرمانده عملیات کودتا می گوید: ((حرفه برادران مزبور یکی وکیل دعاوی و دیگری روزنامه نویس بود.)) و همچنین او فاش کرد که مذاکراتی در مورد اجرا کودتا با عوامل جاسوسی انگلیس داشته است. آنها ضمن تاکید درباره صلاحیت و کاردانی خود در ایران، مایل به معرفی دو برادر ایرانی که با آنها همکاری داشتند نبود و می افزاید: ((..... نگران شدم که مبدا این دو برادر که با آنها هم کاری می کنند همان برادران "بوسکو" باشند. از "کوچران" پرسیدم: آیا آنها همان دوبرادر نیستند؟ پاسخ او منفی بود. از آن موقع مطمئن شدم "بوسکو" مال ما هستند پس "کوچران" نام واقعی آنها راگفت و من آنها را "کافرون" نامیدم. (همان، ص ۲۱)

نکته حائز اهمیت در فعالیت های توطئه گرانه برادران رشیدیان در دوران مصدق که ارتشبد فردوست نیز به آن اشاره کرد و بی تفاوتی دکتر مصدق در این ماجرا و عدم اقدام قاطع او علیه رشیدیان، زاهدی و سایر عوامل سرشناس توطئه هست که به سقوط انجامید. بریان لپینگ می نویسد:

((یکی از شکایاتی که طرفداران مصدق در مورد مصدق عنوان می کردند این بود که با عدم وابستگی رشیدیان و امثال آنها از هر نوع اقدام موثری برضد آنها کوتاهی می ورزید.)) (موسسه مطالعات پژوهشهای سیاسی، ۱۳۷۰، ص ۳۴۳)

اسناد موجود نشان می دهد که دکتر مصدق از فعالیت پسران حبیب الله رشیدیان آگاهی کامل داشت و مدارک کافی دال بر روابط آنها با سفارت انگلیس و هم دستی با اشرف پهلوی در توطئه علیه دولت وی اختیار داشت. (همان، ص ۳۴۴) در دوران دولت مصدق، شبکه مطبوعاتی و تبلیغاتی وابسته به سرویس اطلاعاتی بریتانیا در ایران بسیار وجود داشت، اخبار و شایعات فراوانی را درباره ی توطئه ی برادران رشیدیان و ارتباط آنان با سفارت انگلیس در میان بود. این شایعات تا بدان حد که تا یک سال قبل از کودتا تمامی ایرانیان که با سیاست و روزنامه سروکار داشتند، برادران رشیدیان را به عنوان ماموران سفارت انگلیس و توطئه گران علیه مصدق می شناختند، که این موجب تبلیغات منجر تعقیب برادران از سوی دولت شد، در اکتبر ۱۹۵۲ م ۲۱ مهر ۱۳۳۱ این برادران باز داشت شدند که علت این بازداشت (تبانی با یک سفارت خانه ی خارجی برای سرگونی دولت) اعلام گردید. (شهبازی، عبدالله، ۱۳۸۷، ص ۹۳)

البته مصدق همانطور که در بالا گفتیم بجای برخورد قاطع در مهر ۱۳۳۱ دستور بازداشت حبیب الله رشیدیان و پسرانش را به اداره آگاهی داد و وزیر دادگستری در گزارش آنان را به "داشتن روابط با سفارت انگلیس و دادن اطلاعات به مامورین انگلیس" متهم می کند و پرونده مانند یک دعوی ساده به دادسرای تهران ارجاع داده می شود و بلاخره در اسفند ۱۳۳۱ دستور آزادی رشیدیان صادر شد. (همان، ص ۳۴۴) و با آنها با فراغ بال به اقدامات خود ادامه دادند بی آنکه دولت جلو کارهای آنها را بگیرد. (شهبازی، عبدالله، ۱۳۸۷، ص ۹۳)

برادران رشیدیان با آزادی به توطئه خود ادامه می دهد و خانه اسدالله رشیدیان چنان "امن" تشخیص داده شد که فضل الله در آنجا پنهان بود. برهه حال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ سیف الله، اسدالله و قدرت الله رشیدیان به پاس "فعالیت و خدمات مهمی" که در جریان کودتا انجام می دهند، از سوی "کمیسیون اعطاء امتیازات" به ریاست سرلشکر حسن احدی شایسته دریافت "نشان درجه یک رستاخیز" تشخیص داده شدند. بدین ترتیب آنها وارد مرحله جدیدی می شوند. (موسسه مطالعات پژوهشهای سیاسی، ۱۳۷۰، ص ۳۴۴)

برادران رشیدیان، به ویژه اسدالله از افراد متظاهر و لاف زن و جنجالی بود؛ از وابستگی قدیمی خانوادگی خود که با سفارت انگلیس داشت به عنوان یک حربه آشکار برای قدرت طلبی و سودجویی بهره می برد به ویژه به پدر خود حبیب الله رشیدیان افتخار می کرد. این برادران در عملیات توطئه گرانه سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ در کودتا نقش داشتند. دکتر مصدق نیز با شناختی که از شخصیت و روحیات برادران رشیدیان داشت، هدایت عملیات براندازی علیه خود را در اندازه‌های آنها نمی دید به همین دلیل هم جلو کارها آنها را نمی گرفت. اغراق و شایعه پراکنی ها درباره نقش این برادران سهم بزرگی در غیرجدی کردن کودتا داشت. برادران رشیدیان، از همان زمان شهرتی بسیار بزرگ از عملکرد واقعی خود یافتند و عملاً به نام رمزی بدل شدند برای تمامی ماموران و شبکه های انتیلیجس سرویس در ایران، اسدالله در ۱۵ ژوئیه ۲۴/۱۹۵۳ تیر ۱۳۳۲ با اشرف پهلوی هم در ریویرا ملاقات داشته و مقدمات او را با با نورمن در بی شایر (نماینده ام ای ۶) و استفن مید (نماینده سیا) فراهم نمود. همان طور که قبلاً گفتیم اسدالله که نقش بسیار پررنگی در کودتا از بقیه برادران داشت یک شخصیت متظاهر و شیاد شناخته شده بود، شاه رشیدیان را در قواره ای نمی دانست که در چنان موقعیت حساسی به او اعتماد کند و وی را به عنوان (نماینده رسمی دولت بریتانیا) هم نمی توانستند بشناسند. اسدالله عضو سرویس اطلاعاتی بریتانیا نبود بلکه یک عامل بومی به شمار می رفت. او نمی توانست از سوی دولت بریتانیا عهده دار این مأموریت رسمی و بسیار مهم شود و در برابر شاه مقامی همطراز با کرمیت روز ولت ظاهر گردد. علاوه در این زمان اسدالله در زیر ذربین دستگاه اطلاعاتی و امنیتی دولت مصدق و سازمان اطلاعات حزب توده و شبکه های مخفی اتحاد شوروی در ایران قرار داشت. به همین دلیل سرهنگ دوم شاپور ریپورتر هدایت کودتا را بدست گرفت و برادران در کنار وی نقش بسیار مهمی را در کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اجرا کردند. (شهبازی، عبدالله، ۱۳۸۷، ص ۹۴)

به لحاظ نقش تعیین کننده برادران رشیدیان در کودتا ۲۸ مرداد و برای شناسایی بیشتر به بخش از کتاب معروف "پایان امپراطوری" می پردازیم؛

((.... ترتیب اجرای این اقدام به دسیسه انگلیس به دقت انجام شده بود. برخی از عملیات از قبیل تطمیع نمایندگان مجلس، پرداخت پول به سرکردگان گروه ها کشاندن آشوب گران به خیابان ها

و مقابله با تظاهرات خودجوش طرفداران مصدق، با موفقیت انجام گرفته بود. این عملیات گسترده توسط سه برادر سیف الله، قدرت الله و اسدالله صورت می گرفت.

یکی از این سه برادر از نزدیکان شاه بود، دیگری بازرگان و صاحب سینما بود. رشیدیان در جریان جنگ جهانی دوم در جلب حمایت نمایندگان مجلس به سود انگلیسی ها "راینز" و اکنون نیز به "زینرهاودس" و همکاریانش کمک می چمدان پول انگلیس MI-6 کردند. رشیدیان سرمایه خود را در این راه به کار انداخته بودند. به گفته یکی از مسئولان

که او مامور تحویلاتها به زینر "زینر" بود بیش از یک میلیون بود. این پول دستمزد ساده ای بود در مقابل کار برادران رشیدیان که انجام می دادند.

همچنین زینرهاودس در مورد هزینه عملیات کودتا و دستمزدی که به برادران داده شد فاش ساخته و گفته است: " ... البته این چنین عملیاتی خرج زیادی داشت و شاید نیم میلیون پوند برای این کار لازم می شد. علاوه بر آن هم باید ماهی ده هزار پوند به برادران می پرداختیم که تمام این دلایل به حمایت ممتد آمریکا نیاز مبرمی داشتیم." (نجاتی، غلامرضا، ۱۳۷۶، ص ۲۰)

همان طور که در صفحات قبل توضیح داده شد کریمیت روزلت نیز ضمن همکاری خود در عملیات کودتا از دو برادر ایرانی با نام مستعار "برادران بوسکویه" یاد میکرد و گفته بود این دو برادر بسیار لایق و فعال بودند و از نظر سازماندهی در گذشته شایستگی خود را ثابت کرده بودند و با اطمینان داشتیم به کمک این برادران می توانیم در جلب حمایت "بازار" حساب کنیم. (نجاتی، غلامرضا، ۱۳۷۶، ص ۲۱)

بررسی سوابق این برادران نشان می دهد که سالهای قبل از نهضت ملی شدن نفت در خدمت دشمن بودند و نان خیانت و جاسوسی و وطن فروشی خود را میخوردند و آنها به دلیل نقش کلیدی و مهمی که در کودتا بازی کرده بودند به صورت یکی از نقاط اتصال روابط سیاسی و اقتصادی شاه و آمریکا در آمده بودند. و تبدیل به دلالتان ثروتمند شده بودند که معاملاتشان جنبه بین المللی پیدا کرده بود. رشیدیان در معامله فروش هواپیماهای "اف ۱۴" که از طرف کمپانی "گرومن" به ایران تحویل داده شده است دست داشتند. برادران "لاوی" دلالتان کمپانی "

گرومن" اقرار کردند که مبلغ ۲۴۸۰۰۰۰۰ دلار به موسسه خدمات بین المللی که برادران، شرکاء عمده آن بودند پرداختند"

در سالهای بعد از کودتا روابط و دوستی برادران رشیدیان با کریمت روزولت بیش از پیش افزایش یافت. (همان، ص ۲۱)

برادران رشیدیان و نقش آمریکا

مارک گازیوروسکی از اساتید برجسته‌ی علوم سیاسی براساس تئوری دست نشانده‌گی خود معتقد است؛ که رابطه نزدیک بین آمریکا و ایران طی دوران سلطنت شاه مخلوع نمونه‌ی نوعی یک رابطه دست‌نشانده‌گی بین کشورها است.

وی معتقد که حکومت دست نشانده نوعاً برای کسب کمک اقتصادی، دستیاری امنیتی و حمایت در مقابل دشمنان داخلی یا خارجی وارد رابطه‌ی دست نشانده‌گی می‌شود (گازیوروسکی، مارک ج، ۱۳۷۱، صص ۱۴-۱۲) در تقسیم بندی‌یی که وی از دست نشانده‌گان دو ابرقدرت زمان جنگ سرد ارائه می‌دهد؛ ایران دوران طاغوت را دارای وابستگی شدید به آمریکا می‌داند (همان، ص ۵۲) به گزارش دفتر مطالعات بین‌المللی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹ اوت ۱۹۵۳) یک نقطه‌ی عطف زمانی بود که از آن پس طی ۲۵ سال رابطه دست نشانده‌گی ایران و آمریکا به اوج خود رسید و در واقع ایران دوران طاغوت به مستعمره غیررسمی آمریکا تبدیل شد. از این منظر به نظر می‌رسد که نگاهی به نقش آمریکا در شکل‌گیری و هدایت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که باعث شد پس از آن ربع قرن مردم ایران تحت سلطه‌ی یک حکومت استبدادی به سر برند؛ می‌تواند حائز اهمیت باشد. خط مشی و عملکرد دولت مصدق از اردیبهشت ۱۳۳۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر مبنای اصول موازنه منفی قرار داشت. اصولی که مهمترین هدف آنها استقلال از قدرتهای بیگانه شرق و غرب یا شمال و جنوب و تاکید بر تمامیت ارضی و همبستگی ملی می‌باشد. (مدیرشانه چی، محسن، ۱۳۷۷، صص ۱۳۲-۱۳۱).

اما این سیاست مطلوب قدرتهای بزرگ خصوصاً آمریکا و انگلیس نبود؛ چرا که منافع عظیمی برای خود در ایران متصور بودند که با این سیاست آنها را از دست می‌دادند. هدفهای آمریکا در ایران تا قبل از مرداد ۳۲ در دو مورد خلاصه می‌شد. اول اینکه ایران در بلوک غرب باقی بماند و

دوم اینکه ثبات بازار نفت حفظ شود. اما سیاستهای اتخاذ شده توسط دولت وقت ایران که با منافع همخوانی نداشت؛ باعث شد آمریکا به صورت مستقیم در امور داخلی ایران مداخله کند و در کنار انگلیس کودتای ۲۸ مرداد را طراحی نماید، درحالی که تا قبل از آن ایران بیشتر از سوی انگلیس مورد توجه بود. (همان)

معماران کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ معتقد بودند که به دست آوردن حمایت شاه از کودتا، بسیار مهم است. به این دلیل می توانست به این عملیات مشروعیت سلطنت ببخشد و هم تاییدی برای برکناری قانونی مصدق و جانشین ساختن زاهدی باشد؛ لذا برای اینکار نقشه‌هایی کشیدند، روزولت و اسدالله رشیدیان بارها با شاه ملاقات کردند و کوشیدند، وی را به امضای فرمان و حمایت از کودتا متقاعد کنند، شاه که در تردید بود، گاه حمایت از آن را می‌پذیرفت و گاه نظر خود را تغییر می‌داد، روزولت تهدید کرد، کشور را ترک خواهد کرد و هشدار داد که ایالت متحده در صورت عدم همکاری وی ممکن است، بدون او دست به اقدام بزند. بالاخره رشیدیان با شاه ملاقات کردند (طلوعی، علم، تهران، ۱۳۷۴، ص ۶۵۴). و گفت که در صورت عدم همکاری وی روزولت کشور را ترک خواهد کرد، سرانجام شاه پذیرفت که فرمان را امضاء کند. روزولت و رشیدیان تصمیم گرفتند، از شاه بخواهند دو فرمان را امضاء و در یکی مصدق را عزل و در دیگری زاهدی را منصوب کند و رشیدیان و یکی دیگر از عاملان انگلیس این فرمانرا تهیه کردند و توسط سرهنگ نصیری فرمان‌ها را نزد شاه بردند و او امضاء کرد (سیروس غنی، یاداشتهای دکتر غنی، ص ۲۸).

یکی از شکایت‌های یک طرفداران مصدق در مورد وی عنوان کردند، این بود که با علم به وابستگی آشکار رشیدیان و امثال آن به آمریکا و انگلیس از هر نوع اقدام موثری بر ضد آنها کوتاهی ورزید. مصدق به جای برخورد قاطع در مهر ۱۳۳۱ ش. دستور بازداشت حبیب‌الله رشیدیان و پسرانش را به اداره آگاهی داد (الموتی، مصطفی؛ ص ۳۵) و وزیر دادگستری در گزارشی آنان را به داشتن روابط با سفارت انگلیس و دادن اطلاعات به مامورین انگلیس متهم کرد، پرونده آنها مانند یک دعوی ساده به دادسرای استان تهران ارجاع شد؛ معهذا در اسفند ۱۳۳۱ دستور آزادی رشیدیها صادر شد. بدین ترتیب برادران رشیدیان با آزادی به توطئه‌های خود ادامه دادند و علاوه بر آن خانه اسدالله رشیدیان چنان امن تشخیص داده شد که فضل‌الله زاهدی مدتی در آن پنهان بود به هر روی پس از

پیروزی کودتای ۲۸ مرداد، سیف‌الله و قدرت‌الله رشیدیان به پاس فعالیت‌ها و خدمات مهمی که در جریان کودتا انجام داده بودند، از سوی کمیسیون اعطای امتیازات به ریاست سرلشگر حسن اخوی شایسته دریافت نشان درجه یک رستخیز تشخیص داده شدند و بدین‌سان فعالیت آنان وارد مرحله دیگری شد (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۲ ص ۳۴۵).

جیمز بیل محقق آمریکایی که ظاهراً با اسدالله رشیدیان دوستی شخصی داشته جایگاه برادران رشیدیان را در حوادث سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ چنین بیان داشت:

((.... آنان نیز مانند پدرشان قبل از خودشان ارتباط محکمی با انگلیس‌ها داشتند و در سالهای دهه ۱۹۴۰ با انگلیس‌ها در ایران کار کرده بودند. برادر بزرگتر سیف‌الله موسیقیدان و فیلسوف بود و مغز این گروه ۳ نفره به شمار می‌رفت. عاشق تاریخ سیاسی بود و اسدالله سازمان دهنده و مبارز سیاسی بود و مورد اعتماد شاه قرار داشت در حالی که قدرت‌الله تاجر و مقاطعه‌کار بود و این سیف‌الله و اسدالله بودند که کرمیت روزلت را ضمن اختفایش ۱۹۵۳ راهنمایی کردند در واقع حلقه اصلی ارتباط بین انگلیس و آمریکا در این ماجرا بودند.)) (موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۴۲)

نظریه مارک گازیوروسکی درباره کودتا

طبق آنچه که مارک گازیوروسکی می‌نویسد: کودتا شامل چهار قسمت بود

۱. تبلیغات و توانایی‌های عمل سیاسی بیدمن (نام عملیاتی که از سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) فعالیت‌های تبلیغاتی ضد شوروی و ضد حزب توده از طریق عوامل سیا در ایران، در قالب آن انجام می‌شد) بی‌درنگ علیه مصدق بر گردد.

۲. چهره‌های مخالف تشویق شوند در مجلس بست نشینند و اغتشاشی ایجاد کنند که وضع را ملتهب کنند

۳. از آنجا که با شاه درباره‌ی کودتا مشورت نشده بود؛ موافقت او برای برکناری مصدق و انتصاب فضل‌الله زاهدی باید کسب شود. (گازیوروسکی، مارک ج، ۱۳۷۱، ص ۱۳۴) ۴. حمایت افسران کلیدی شاغل ارتش باید جلب شود

این مراحل یکی پس از دیگری دنبال شد. براساس قسمت سوم شاه فرمانهای برکناری مصدق و انتصاب زاهدی به نخست‌وزیری را صادر کرد. در شب شنبه ۲۴ مرداد (۱۵ اوت) سرهنگ نعم الله نصیری فرمانده گارد سلطنتی فرمان برکناری مصدق را به وی ابلاغ کرد. مصدق فرمان را جعلی دانست و نصیری را بازداشت کرد که همین مسئله کودتای زودرسی را که قرار بود ۲۵ مرداد انجام شود؛ با ناکامی مواجه ساخت، لذا گروه روزولت را ناچار کرد که استراتژی جدیدی تدبیر کنند. نخستین تلاش برای علنی کردن تصمیم شاه به برکناری مصدق و جایگزینی زاهدی بود که مصدق آن را علناً اعلام نکرده بود. اقدام بعدی استفاده از پول برای وارد کردن افراد مختلف به تظاهرات علیه مصدق بود؛ از جمله این افراد شعبان جعفری معروف به شعبان بی مخ و برادران رشیدیان و دار و دسته‌ی آنها بودند. این افراد به همراه نیروهای ارتش و پلیس حامی شاه در روز ۲۸ مرداد پس از گرفتن ستاد ارتش به سمت خانه مصدق راه افتادند و در آنجا پس از یک نبرد نه ساعته با طرفداران مصدق که منجر به کشتن شدن ۳۰۰ نفر شد، نهایتاً باعث کنار گذاشته شدن از قدرت شدند. (همان صص ۱۴۲-۱۳۹) نقش واضح آمریکا در کودتا از جانب مقامات این کشور طی دهه‌های بعد همواره انکار می‌شد، اما نهایتاً مادلین آلبرای، وزیر خارجه‌ی آمریکا در دولت کلینتون، طی یک سخنرانی در کنفرانس روابط ایران و آمریکا در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۷۸ در آمریکا اعتراف کرد که در سال ۱۳۳۲ آمریکا نقش مهمی در هماهنگ کردن سرنگونی رژیم مردمی مصدق بازی کرد. (غضنفری، کامران، ۱۳۸۱، ص ۱۸) به این ترتیب، دولت آمریکا پس از ۴۶ سال به شرکت خود در کودتای ۲۸ مرداد اعتراف کرد البته این امر به شیوه‌ای اتفاق افتاد که هیچ نوع معذرت خواهی رسمی را دربر نمی‌گرفت و تنها به شکل اعتراف به یک دخالت انجام پذیرفت.

نقش برادران رشیدیان در روز کودتا ۲۸ مرداد

برای پیاده کردن طرح کودتا ملاقاتی شبانه با شاه انجام می‌شود که این تماس فرمانده عملیات کودتا به وسیله رشیدیان از طریق (ارنست پرون) صورت گرفت. که کرمیت روز ولت (پرون) را به نام مستعار (گل سرخ) معرفی کرده است. (همان، ص ۳۶) برادران رشیدیان نیز ملاقات هایی شخصی با شاه انجام داشتند که این ملاقاتها به خصوص در هفته و روزهای نزدیک کودتا انجام می‌شد و در آخرین ملاقاتی که این برادران با شاه در روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ زمان دقیق کودتا

مشخص شد. (راعی، سجاد، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸) نقش برادران در کودتا این بود که دستجات غیر نظامی و اصناف را به خیابانها بریزند. آنها ظاهرا توانستند جمعیتی حدود ۵ تا ۶ هزار نفر را راه بیندازند و آنها توانستند زنی به نام (ملکه اعتضادی) پیدا کنند که متخصص تحریک و تهیج بود و چادرش را به کمر می بست و روی جیب سخنرانی می کرد دسته ی فوق از خیابان نادری به طرف خانه مصدق حرکت کرده بودند دسته دیگر، که به این برادران کمک می کرد، ورزشکاران باشگاه تاج بودند که سرتیپ خسروانی آنها را هدایت می کرد. (مکی، حسین، ۱۳۷۸، ص ۴۶۲) گروهی دیگر که به سرکردگی شعبان جعفری (شعبان-بی مخ) حرکت می کرد پیوستند و این که شعبان بی مخ در روز کودتا در زندان بود، زیرا به جرم شرکت در غائله نهم اسفند ۱۳۳۱ دستگیر شده بود ولی او ساعاتی پس از شروع کودتا با همکاری ماموران شهربانی و فرمانده نظامی از زندان آزاد شد و به دستجات ارادل و اوباش که توسط برادران رشیدیان هدایت می شد پیوست. (راعی، سجاد، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳) همچنین کریمت روز ولت در کتاب (کودتا در کودتا) درباره ی ورود اوباش و زورخانه ای به جمع کودتاگران می نویسد:

((برادران بوسکر (برادران رشیدیان) آنچه را که تدارک دیده بودند صبح زود به حرکت در آمدند ولی حرکت از بازار شروع شد. این محل از جایی که من و بیل بی صبرانه منتظر بودیم خیلی دور بود. بوسکوها حمایت غول های زور خانه را هم به همراهان خود اضافه کردند. حالا در شمال بازار جمع شده بودند. این هیكل های بزرگ به طرف غرب حرکت کردند. بیشتر از آنچه که شبیه درویش ها باشند فریاد می کردند.)) (راعی، سجاد، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳)

برادران رشیدیان با همکاری (نرن) و (سیلی) از عوامل (سیا) دستجات متعددی را اجیر کردن که دو روز قبل از کودتا با سردادن شعارهای حزب توده و حمل پلاکت هایی که در آنها شاه تقبیح و سرزنش شده بود به راهنمایی پرداختند در روز کودتا شعارها به نفع شاه و علیه مصدق تغییر کرد. ساعت دو نیم بعد از ظهر ۲۸ مرداد دستجات اوباش مزدور به دنبال آنها عده زیادی از مردم بیکار از نقاط مختلف تهران به طرف خانه مصدق حرکت کردند و در نهایت کودتا با محاصره خانه مصدق توسط کودتاچیان به ثمر نشست و دولت مصدق سقوط کرد (نجاتی، غلامرضا

برادران رشیدیان و امینی

بعد از ۱۳۳۲ رشیدیان و برادرانش در صحنه سیاسی ایران خوش درخشیدند و همه کاراز آنها ساخته بود و در دربار رفت و آمد داشتند و هرکس هر جا مشکلی داشت، به آنها متوسل می‌شد. در ۱۳۳۹ اسدالله رشیدیان تصمیم گرفت، پایگاه سیاسی برای خود درست کند و کاندیدای وکالت مجلس شد و در دوره بیستم از تهران انتخاب شد و با انحلال مجلس بیستم فعالیت برادران رشیدیان علیه دولت امینی شروع شد. اسدالله در آبان ۱۳۴۰ به تاسیس (جمعیت مدافعین قانون اساسی) دست زد، تا به این وسیله در مقابل هرگونه تمایل احتمالی دموکرات‌های امریکا به استقرار یک رژیم جمهوری در ایران از طریق هیاهو پادزهری ایجاد شود. رشیدیان در جمع خبرنگاران در مورد دکتر امینی این‌گونه می‌گویند: دکتر امینی تصور کرده است، به کمک بیگانگان می‌تواند، این قدرت ملت را از بین ببرد، خدا نکند که ما مجبور شویم برای قانون اساسی دست به اقدامات تندی بزنیم؛ ولی صریحا می‌گوییم که ملت ایران هر وقت لازم باشد، قدرت خود را در برابر نیروی استبدادی (دولت امینی) نشان خواهد داد.

رشیدیان که هم از حمایت محافل خاصی در آمریکا و انگلیس و هم از حمایت پنهان محمدرضا پهلوی و عناصری چون سیدضیاء طباطبایی برخوردار بودند، مدت کوتاهی بعد پا را فراتر گذاشتند و طرح تشکیل کمیته مبارزه با دیکتاتوری یعنی دیکتاتوری دموکرات‌های امریکا و امینی را تدارک دید.

ظاهر رشیدیان موفق شده بود، همراهی نیروهای یازجبهه ملی را که علیه امینی تحریک می‌کردند، را به دست آورد. در تاریخ ۱۳۴۰/۱۰/۲۸ مامور ویژه ساواک چنین گزارش می‌دهد، اسدالله رشیدیان اظهار داشته، اکثریت افراد عضو جبهه ملی حاضرند در مبارزه با دولت با ما همکاری کنند و اختلافی که فعلا وجود دارد، این است که بین دستجات مخالف دولت جنبه رهبری آن با کدام دسته می‌باشد و اکنون مذاکراتی بین دار و دسته فرود و رشیدیان و جبهه ملی و جعفر بهبهانی انجام و در جریان است که فرمولی برای وحدت نظر در مبارزه علیه دولت پیدا و طبق آن عمل نمایند. همچنین فعالیت‌های تحریک‌آمیز جمعیت مدافعین قانون اساسی و اکنش امینی را برانگیخت و او در آبان ۱۳۴۰ برای مدت کوتاهی به بازداشت، فتح‌الله فرود (شهردار سابق تهران) و در

بهمن ۱۳۴۰ به بازداشت، اسدالله رشیدیان و تعدادی دیگر از فعالین جمعیت به همراه جعفر بهبهانی (پسر آیت الله بهبهانی) و سران جبهه ملی، دکتر مهدی آذر، شمس‌الدین امیر علایی، کریم سنجابی، مسعود حجازی، مهندس حسینی، زیرک‌زاده و شاپور بختیار مبادرت ورزید. (الموتی، مصطفی، ص ۳۹۹) اسدالله رشیدیان پس از آزادی از زندان به تشکیل «حزب خلق» دست زد و کسانی که در راس این جریان قرار داشتند، سیف‌الله رشیدیان و صادق بهزاد بودند.

به هرروی دولت مستعجل امینی دیری نپایید و در تیرماه ۱۳۴۱ سقوط کرد و این بار مزد مبارزه خود را از شاه به صورت امتیازبانک گرفتند، به دستور شاه به آنها اجازه داده شد، بانکی به نام تعاونی و توزیع وابسته به اصناف تهران تشکیل دهند (اسناد ساواک، ص ۲۸۹) و اسدالله علم به نخست وزیری رسید. صعود علم به قدرت، اقدامات تحریک‌آمیز رشیدیان را متوقف ساخت و به قول خود او، وی را در بلا تکلیفی قرار داد.

در دوران علم شاهد تماس‌های گسترده اسدالله رشیدیان با عناصر توده‌ای هستیم که به منظور جلب این جریان به سیاست روز و بازی‌های پس پرده آن بود (حزب توده به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۱، ص ۲۹۵).

اسدالله رشیدیان ظاهراً با دولت حسنعلی منصور موافقتی نداشت؛ ولی فعالیتی نیز از سوی وی علیه این دولت در اسناد ساواک مندرج نیست و در دولت عباس هویدا رشیدیان را در زمره موافقین این دولت می‌یابیم. (ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۱۳۷۱، ص ۳۵۱).

برادران رشیدیان پس از کودتای ۲۸ مرداد

در دوران بعد از کودتا، برادران رشیدیان نهایت بهره برداری را از پیشینه خود در جهت ثروت اندوزی کلان نمودند، در همه جا از وابستگان درجه اول سیاست انگلستان خود را معرفی می کردند و شهرت رشیدیان هر چند در کلیات صحت داشت، ولی در جزئیات یعنی در زیر و بم های رقابت سیاسی و مالی روز میان دولت مردان و رجال پهلوی فاقد پایه عینی در تحلیل سیاسی می باشد. طبق اسناد همه رجال سیاسی و اقتصادی برای کسب مقام به یکی از دو سیاست انگلیس یا آمریکا منتسب بودند. این در حالی بود که نیمه دوم ۱۳۳۰ تا نیمه اول ۱۳۴۰ بر سیاست منطقه

ای آمریکا و انگلیس یک خط واحد حکم فرما نبود. (موسسه مطالعاتی و پژوهشهای سیاسی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۴۴)

این ادعا در مورد تحلیل مواضع عناد آمیز اسدالله رشیدیان انگلیسی علیه دولت منوچهر اقبال که به شدت انگلیسی بود شهرت داشت. (همان ص ۳۴۴)

ساواک در اردیبهشت ۱۳۳۶ چنین اطلاع می دهد که :

" هر هفته در منزل اسدالله جلساتی برگزار می شود و افرادی که در این جلسه شرکت می کردند دسته ها و صنوف مختلف بودند و اکثر افراد توده ای که در خدمت وزارت کار بودند... رشیدیان خود مخالف دکتر اقبال بودند و می گفتند که این دولت هیچ قدرتی ندارد حتی وزرا خودش را نیز خودش انتخاب نکرده است..." (همان ص ۳۴۴)

این را هم باید اضافه کرد که طبق اسناد موجود اسدالله نه تنها دارای روابط ویژه با محافل سیاسی و اطلاعاتی بریتانیا بود بلکه در سالهای فوق از طریق احمد علی آبادی با سفارت آمریکا در ارتباط بود و مهمتر اینکه از نزدیکترین شرکا و دوستان " روزولت " مقام پیشین " سیا " دلال کنونی محسوب می شود. دوستی و شراکتی که از نقش مشترک آنان در کودتا ۲۸ مرداد الهام می گرفت. در دوران دولت امینی، "اسدالله" از چهره هایی بود که همبراساس منافع شخصی خود و تمایلدربار و هم انطباق با تحریکات محافل سیاسی و اطلاعاتی جمهوری خواه و محافظه کار آمریکا و انگلیس به یکی از مهمترین کانون مخالفت با امینی بدل شد. در تاریخ ۴۰/۲/۲۶ ساواک چنین گزارش می دهد:

((....برکناری کابینه شریف امامی وزمامداری امینی وانحلال مجلس شورای و بازداشت رجال و امرای ارتش موجب شد که عوامل وابسته به بازداشت شدگان و افراد منتقد در سوء استفاده و اقدامات خلاف دخالت می کنند و به منظور جلوگیری از برنامه هایاصلاحی دولت کارشکنیکندند. ازجملهاسدالله رشیدیانکه منافع زیادی که دولتگذشته داشت. "رشیدیان" برای ایجاد اعتصاب صنف نانوا که "جلیل احمدخان لو" (کاندیدای مردم تهران) و "هدایت الله اسلامی" (رئیس سابق پیشروان شهرداری) را مامور این کارکرد.)) اقداماتی علیه دولت امینی انجام شد از جمله این اقدامات اسدالله رشیدیان درآبان ۱۳۴۰ به تاسیس "جمعیت مدافعین قانون اساسی"

دست زدتابدین وسیله در مقابل هرگونه تمایل احتمالی دموکرات های آمریکا به استقرار رژیم جمهوری در ایران از طریق هیاهو پادزهری ایجاد شود.

((به دعوت رشیدیان جلسه مطبوعاتی در منزل "فورد" و خبرنگاران اکثرجراند و پرویزرائین و حدود سیصدنفر از نمایندگان انجمن ملی و نمایندگان کارگران و فرهنگیان و کارگران اصلی بودند.))
رشیدیان از حمایت محافل خاصی در آمریکا و انگلیس و هم از حمایت پنهان محمدرضاپهلوی و عناصری چون سید ضیاء طباطبائی برخوردار بود. مدت کوتاهی بعد پا را فراتر نهاد و طرح تشکیل " کمیته مبارزه با دیکتاتوری " یعنی دیکتاتوری و دموکراتهای آمریکا و امینی را تدارک دید. در این زمینه موفق به جذب نیروهای جبهه ملی شد. فعالیت های تحریک آمیز "جمعیت مدافعین کانون اساسی" واکنش امینی را برانگیخت و به بازداشت فتح الله فود و اسدالله رشیدیان و بهبهانی و سران جبهه ملی مبادرت می ورزید. (موسسه مطالعاتی پژوهشهای سیاسی، ص ۳۴۷ و ۳۴۸)

اسد الله پس از آزادی از زندان به تشکیل (حزب خلق) دست زدو در نهایت دولت امینی در سال ۴۱ سقوط کرد . و اسد الله علم مهره مورد توافق شاه و انگلیس و امریکا به نخست وزیری رسید . سود علم به قدرت اقدامات تحریک آمیز رشیدیان را متوقف ساخت و شاهد تماس های گسترده اسد الله رشیدیان با عناصر توده ای هستیم. که این ارتباط با راهنمایی شاپورجی و علم برای جلب حزب توده با سیاست روز و بازی های پشت پرده آن می باشد. اسد الله ظاهرا با دولت منصور موافقتی نداشت ولی فعالیتهایی ازسوی وی علیه این دولت در اسناد ساواک مندرج نیست و باخاتمه نسبی نبرد جناح های رقیب در غرب و باند های داخل تابع در نتیجه سقوط دولت منصور و روی کار آمدن دولت هویدا که اسدالله رشیدیان موافق آن بود شد. اسناد موجود نشان می دهد که در سالهای بعد از کودتا ۲۸ مرداد برادران رشیدیان از وابستگان دربار پهلوی بودند و در نتیجه همین پیوند های مستحکم با محافل امریکا و انگلیس و دربار پهلوی بود که رشیدیان در دوران ۲۵ ساله بعد از کودتا میلیاردها ثروت اندوختند و نقش بزرگترین بانکداران کشور ظاهر شدند این که در بعضی اسناد ساواک نشان از عمق چپاول و فساد رشیدیان دارد ولی شاید هیچ سندی گویاتر از تحلیل جیمزایل پیرام و نفو درباره رشیدیان در دربار پهلوی و محافل اطلاعاتی مالی امریکا و انگلیس نباشد که نقش آنها را نشان دهد.

((نقش کلیدی که گروه ماموران اطلاعاتی امریکایی در کودتا ایفا کرده بودند یکی از عوامل عمده روابط نزدیک پهلوی و ایالات متحد بودند . نقطه اتصال این روابط ، اتحاد اقتصادی و سیاسی روز ولت _ رشیدیان بود. در حمایت از محمدرضا پهلوی عمل می کرد. برادران رشیدیان به مقاطعه کاران و دلالتان ثروتمندی مبدل شدند که مبادلاتشان جنبه بین المللی پیدا کرده بود . موسسه روابط عمومی روز ولت از منافع شاه در امریکا دفاع می کرد. در طول این دوره روز ولت راه موازی خود را با شاه حفظ کرد و شاه با او بیشتر از هر دیپلمات یا سفیر مقیم ایران ارتباط داشت. خط ارتباطی روز ولت از طریق برادران رشیدیان و " سپهد محسن هاشمیان " فرمانده گارد شاهنشاهی به شخص شاه می رسید. در واشنگتن نیز روز ولت ارتباطات شخصی خود را مستقیم با کاخ سفید برقراری کرد. (ظهور و سقوط سلطنت، ۱۳۷۲، ص ۳۵۲، ۳۵۳)

از میان برادران رشیدیان برادر بزرگتر، سیف الله فهمیده تر و مودب تر بود و اسدالله به فساد اخلاقی شهرت داشت ، ولی روی هم رفته سه برادر تحصیلاتی نداشتند و از نظر درست کاری و صداقت به هیچ وجه مورد اطمینان نبودند. (مکی حسین ، چاپ اول تهران ۷۸، ص ۴۶۲)

خانه مجلل رشیدیان در شمال تهران و بانک اختصاصی آنان نزدیک میدان فردوسی مراکز همکاری مداوم روز ولت - رشیدیان بود. (موسسه مطالعاتی پژوهشهای سیاسی، ص ۳۵۳)

در نهایت اصناف تهران نیز در اختیار اسدالله بود که او بعدها نیز بانکی تاسیس کرد به نام بانک اصناف " با بانک اصناف که مدتی سرلشکر ضرغام مدیرعامل اش بود اشتباه نشود" بانک رشیدیان یک کلمه اضافه مثل " تعاونی " یا " توزیع " داشت. (همان، ص ۴۶۲)

نتیجه گیری

در فاصله سال‌های ۵۰ و ۵۲ دو تن از برادران رشیدیان فوت کردند، اسدالله از فقدان برادران خود سخت دلسرد و آزرده شده بود. (عاقلی، باقر، ۱۳۸۰، ص ۳۵۲) تمام ثروت خانواده را تصاحب کرد و در آستانه انقلاب به بانک‌های خارجی منتقل کرد، اسدالله رشیدیان تا چند سال قبل از انقلاب زنده بود و در لندن زندگی می‌کرد. (طلوعی، محمود؛، ۱۳۷۷، ص ۱۹۱)

نتیجه ای که از این پژوهش می‌توان گرفت این است که در آن زمان چگونه کشورهای بیگانه ای همچون انگلیس و آمریکا توانستند طی دو کودتا که در روزهای ۲۵ و ۲۸ مرداد ۳۲ انجام گرفت دولت مصدق را که مسبب ملی شدن صنعت نفت در ایران بود شکست داده و باعث سقوط این دولت و روی کار آمدن زاهدی که دست نشانده خودشان بود شدند.

منابع و مأخذ

- الموتی، مصطفی؛ ایران در عصر پهلوی، لندن، بی نا، ج ۱
_راعی، سجاده، ترجمه ابوالقاسم راه چمانی، عملیات آژاکس، موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی
ایران، تهران، ۱۳۸۰.
- اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۹.
- حزب توده به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ج ۱، ۱۳۸۱.
- شهبازی، عبدالله، کودتای بیست و هشت مرداد، روایت فتح، تهران، ۱۳۸۷.
- عاقلی، باقر؛ شرح رجال سیاسی و نظامی معاصر، تهران، گفتار، ۱۳۸۰، ج ۲.
- علم، مصطفی؛ نفت، قدرت و اصول، ترجمه: صالحیار، تهران، پخش،
- غضنفری، کامران، خلاصه ی از امریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۱.
- گازپورسکی، مارک ج، سیاست خارجی امریکا و شاه: بنای دولتی دست نشانده در ایران، ترجمه
فریدون فاطمی، تهران، مرکز، ۱۳۷۰.
- نجاتی، غلامرضا، مصدق (سالهای مبارزه و مقاومت)، موسسه خدماتی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- مدیرشانه چی، محسن، سیاست خارجی ایران در دوران زمامداری مصدق، اطلاعات سیاسی-
اقتصادی، ۱۳۷۷.
- موسسه مطالعات پژوهشهای سیاسی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰.
- مکی، حسین، کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و رویدادهای متعاقب آن، مهارت، تهران، ۱۳۷۰.

